

□ همه از انقلاب طلب کاریم! □ قاجار، پهلوی یا جمهوری اسلامی؟ □ بایسته های ورزش حرفه ای بانوان □ سیاست اندلسی کردن ایران
□ مذاکرات غیرمستقیم و دست برتر جمهوری اسلامی □ اولین پیام به مخاطب □ به جای پیشرفت، در حجاب مانده ایم! □ ذوالقرنین و کوروش

همه از انقلاب طلب کاریم!

خریداری کنند؛

■ در نوروز سال قبل، ۵۱

میلیون تردد در جاده های

کشور ثبت شده و ما تنها

کشور در منطقه و حتی

جهان هستیم که دارای

این رکورد سفر هستیم؛

تقریباً به اندازه کل اروپا؛

پنج میلیون نفر سفر هم از

طریق دریا و نیم میلیون نفر، سفر

هوایی؛

■ در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۱ بیش از هزار و چهارصد

باب ملک در ترکیه توسط ایرانی ها خریداری شده و

نزدیک ۲۰۰ هزار نفر ایرانی ها در ماه سپتامبر گذشته،

به ترکیه سفر داشته اند.

■ به گزارش انجمن بین المللی جراحی زیبایی

(isips) در سال ۲۰۱۳، بیش از ۲۴ میلیون عمل

جراحی در دنیا انجام شده که ایران با بیش از ۲۰۰ هزار

جراحی زیبایی، جز ده کشور اول جهان می باشد؛

یعنی ایران، یک درصد جمعیت جهان را داراست؛

اما ۸۰ درصد عمل جراحی را داشته است.

■ ایرانی هار تبه اول واردات غذای سگ در

منطقه غرب آسیا را دارند.

■ در حال حاضر، مردم ایران روزانه

بیش از ۱۴۰ میلیون لیتر بنزین

مصرف می کنند؛ یعنی مصرفی

بیش از سه برابر مصرف پرجمعیت ترین

کشور دنیا، یعنی چین.

■ مصرف برق ایران، ۶ برابر میانگین جهانی است.

■ مصرف گاز ایران، با جمعیت ۸۰ میلیونی، حدود

۷ برابر میانگین جهانی و معادل ۱۲ کشور ثروتمند

اروپایی است.

■ در مصرف آب شیرین، مادر تبه اول دنیا هستیم.

بر طبق آمار جهانی، بعد از انقلاب، فقر در ایران به

زیر ۸ درصد هم رسیده است و این، یعنی ایران

جزء ده کشور با کمترین میزان فقر در جهان است؛ اما

طبق گفته رسانه های دشمن، ایران، فقیرترین مردم

جهان با درصد بالای فلاکت را داراست.



صورت های دستکاری

شده؛ جراحی های

بیهوده و دل های

اجاره ای!

متأسفانه

اشتهایمان برای

مصرف، تجمل، فخر فروشی

و له کردن دیگران، سیری

ناپذیر شده است. ورشکسته

شدن انتشارات ها و تعطیلی مراکز ادبی،

فرهنگی و هنری، برایمان مهم نیست؛ ولی از گران

شدن ادکلن مورد علاقه مان، سخت نگرانیم!

در این زمینه، می شود کتاب ها نوشت...

خلاصه اینکه این روزها، لیخنند، جایش را به پرخاش

داده و مهربانی به خشم. فقط کافی است یک ذره

احساس کنیم که یکی، مخالف نظر ماست؛ آن

وقت چنان نابودش می کنیم که انگار هیچ خدایی

را بنده نیستیم.

قحطی امروز که ما ایرانیان در این روزگاران، آن را

به وضوح لمس می کنیم، قحطی اخلاق است؛

قحطی همدلی، قحطی رفاقت، قحطی عشق و

قحطی انسانیت. این روزها، سرزمینمان تشنه

آگاهی است.

فلاکت واقعی یا خودتحقیری؟

ما در رسانه های دروغگوی یهودی غرب، متهم به

فلاکت دنیا هستیم؛ در حالی که:

■ تقریباً به تعداد خانوارها، حدود ۲۰ میلیون خودرو

در کشور داریم و ۲۵ میلیون مسکن (۵ میلیون اضافه

بر تعداد خانوار)؛

■ با دو روز تعطیلی، راه های شمال کشور، قفل

می شود (بنزین ارزان در باک خودرو برای سفر و

تفریح)؛

■ در مصرف لوازم آرایشی و بوتاکس، در جهان

اول هستیم؛

■ پنج میلیون نفر در یک ساعت، برای چهار هزار

خودرو ثبت نام می کنند؛ یعنی مردم ایران، با پول

همین قرعه کشی، می توانند شرکت بنز آلمان را

اوایل دهه شصت، تنها شامپوی موجود، شامپوی

خمره ای زرد رنگ داروگر بود؛ تازه آن را هم باید از

مسجد محل تهیه می کردیم و اگر شانس یارمان

بود و از همان شامپوها، یک عدد صورتی رنگش

که رایحه سیب داشت، گیرمان می آمد، حسابی

کیف می کردیم.

شس مایونز، کالایی لوکس به حساب می آمد

و پفک نمکی و ویفر شکلاتی یام یام، تنها

دلخوشی کودکی مان بود.

صف های طولانی در نیمه شب سرد

زمستان، برای ۲۰ لیتر نفت!

بگو مگوها سر کپسول گاز که با کامیون، در

محله ها توزیع می شد، خالی کردن گازوئیل با ترس و

لرز در نیمه های شب،

جیره بندی روغن، برنج و پودر لباسشویی و...

نبود پتو در بازار، تازه عروسان را برای تهیه جهیزیه، به

دردسر می انداخت و پوشیدن کفش آدیداس، یک

رؤیا بود.

همه اینها بود؛ بمب هم بود؛ موشک و شهید و... هم

بود؛ اما کسی از قحطی صحبت نمی کرد.

یادم هست با تمام فشارها، وقتی وانت ارتشی برای

جمع آوری کمک های مردمی، وارد کوچه می شد،

بسته های مواد غذایی، لباس و پتو، از تمام خانه ها

سرازیر بود.

همسایه ها از حال هم با خبر بودند؛ لبخند بود؛

مهربانی بود؛ خب درد هم بود.

اما امروز...

امروز فروشگاه های مملو از اجناس لوکس خارجی،

در هر محله و گوشه کناری به چشم می خورند و هرچه

بخواهید و نخواهید، در آنها هست؛ از انواع شکلات

و تنقلات گرفته تا صابون و شامپوی خارجی، لباس

و لوازم آرایش تا موبایل و تبلت؛ از داروهای لاغری تا

صندلی های ماساژور و نوشابه انرژی زاتا...

و حال، این تن های فره، تکیه زده بر صندلی های نرم

اتومبیل های گران قیمت، از شنیدن کلمه قحطی، به

لرزه افتاده، به سوی بازارها هجوم می برند تا مبادا تی

شرت بنتون، گیرشان نیاید؛ مبادا ازیتون مدیترانه ای،

نایاب شود.



قاجار، پهلوی یا جمهوری اسلامی؟

از ایران جدا
شده، باز هم به
امپراتوری روسیه
تقدیم شد.

۶. حدود ۱۰۵ سال پیش در سال ۱۲۹۸ ش. (۱۹۱۹ م.) در زمان احمدشاه قاجار و دولت وثوق الدوله، بر اساس پیمان منطقه ای مستشاران انگلیس، جزایر نفت خیز خلیج فارس، از جمله کشورهای فعلی امارات، قطر، عمان و چند جزیره بسیار ارزشمند دیگر، به مساحت ۴۰۵۲۸۷ کیلومتر مربع، رسماً از ایران جدا شدند.

۷. حدود ۸۷ سال پیش در سال ۱۳۱۶ ش. (۱۹۳۷ م.) در زمان رضاشاه پهلوی، با امضای پیمان ننگین «سعدآباد» با کشورهای همسایه (عراق، ترکیه و افغانستان)، بخش های عظیمی از ایران، با دسیسه انگلیس، از آن جدا شد؛ از جمله «ارتفاعات سوق الجیشی آزارات» به ترکیه، بخش عظیمی از «اروندرو» و اداره کامل آن، به عراق و «دشت وسیع ناامید» به مساحت ۳۰۰۰ کیلومتر مربع، به افغانستان بخشیده شد.

۸. حدود ۷۰ سال پیش در سال ۱۳۳۳ ش. (۱۹۵۴ م.) در زمان محمدرضا شاه پهلوی، بندر راهبردی «فیروزه» در شرق دریای خزر، از ایران جدا و به شوروی واگذار گردید.

۹. در سال ۱۳۵۰ ش. (۱۹۷۱ م.) و باز هم در زمان محمدرضا شاه، با فشار انگلیس، مجمع الجزایر بحرین به مساحت بیش از ۷۰۰ کیلومتر مربع، با انبوهی از مخازن نفت و گاز، از ایران جدا شد.

با کمال تأسف، باید این حقیقت تلخ را بدانیم که این مقدار تجزیه و جدایی بیش از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران، به واسطه سستی و ضعف پادشاهان، در کل تاریخ جهان، بی سابقه است و ایران امروز با مساحت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، کمتر از یک سوم مساحت ایران بزرگ ۲۰۰ سال قبل را دارد. این در حالی است که در دوران اخیر ایران، پس از هشت سال دفاع مقدس، حتی یک سانتیمتر از خاک کشور عزیزمان را هم از دست ندادیم.

حال نکته جالب، این است که طرفداران قاجار و پهلوی، در کنار اسرائیل ایستاده اند و این رژیم را تحریک می کنند که به ایران حمله کنند. همچنین پان ترک ها، پان عرب ها، پان کردها، پان بلوچ ها و... هم در کنارشان ایستاده اند.

پرسش: در دوران شاهنشاهی قاجار و پهلوی، مرزها و کبان ایران، بیشتر حفظ شد یا در دوران جمهوری اسلامی؟

باید این حقیقت تلخ را بدانیم که این مقدار تجزیه و جدایی بیش از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران، به واسطه سستی و ضعف پادشاهان، در کل تاریخ جهان، بی سابقه است و ایران امروز با مساحت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، کمتر از یک سوم مساحت ایران بزرگ ۲۰۰ سال قبل را دارد. این در حالی است که در دوران اخیر ایران، پس از هشت سال دفاع مقدس، حتی یک سانتیمتر از خاک کشور عزیزمان را هم از دست ندادیم.

۱. حدود ۲۱۱ سال پیش، در زمان فتحعلی شاه قاجار، به موجب قرارداد ننگین گلستان در سال ۱۱۹۲ ش. (۱۸۱۳ م.)، کشورهای فعلی قفقاز، ارمنستان، گرجستان، داغستان، چین و اینگوش و سواحل ارزشمند دریای کاسپین به مساحت حدود ۲۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع از ایران جدا شده، به روسیه تزاری تقدیم گردید.

۲. حدود ۱۹۶ سال پیش و باز هم در زمان فتحعلی شاه قاجار، به موجب قرارداد ننگین ترکمنچای در سال ۱۲۰۷ ش. (۱۸۲۸ م.)، مناطق ایروان، نخجوان و بخش هایی از تالش و آذربایجان و در مجموع، حدود ۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع دیگر از ایران جدا شد و باز هم به امپراتوری روسیه تقدیم شد.

۳. حدود ۱۶۸ سال پیش، در زمان ناصرالدین شاه قاجار، به موجب معاهده ننگین پاریس در سال ۱۲۳۵ ش. (۱۸۵۶ م.)، مناطق هرات، افغانستان، بلوچستان و مکران به مساحت ۹۷۵۲۲۵ کیلومتر مربع، با فشار انگلیس، از ایران جدا شد.

۴. حدود ۱۵۳ سال پیش و باز هم در زمان ناصرالدین شاه قاجار، به موجب قرارداد ننگین حکمیت «گلد اسمیت»، در سال ۱۲۵۰ ش. (۱۸۷۱ م.) و باز هم تحت فشار انگلیس، مناطقی از پاکستان و سیستان، به مساحت ۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع، از ایران جدا شد.

۵. حدود ۱۲۳ سال پیش و باز هم در زمان ناصرالدین شاه قاجار، به موجب «پیمان آخال»، در سال ۱۲۶۰ ش. (۱۸۸۱ م.)، کشورهای فعلی ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان، به مساحت ۱۲۲۶۵۰۰ کیلومتر مربع،

بایسته‌های ورزش حرفه‌ای بانوان



در اسلام، ورزش و فعالیت‌های بدنی، به طور کلی، مورد تشویق قرار گرفته‌اند؛ زیرا به حفظ سلامتی و تقویت بدن، کمک می‌کنند؛ اما برای بانوان، رعایت برخی محدودیت‌ها و اصول شرعی، در ورزش حرفه‌ای مهم است. برخی از این محدودیت‌ها و ملاحظات، عبارتند از:

۱. حفظ حجاب

بانوان موظفند در هنگام ورزش، حجاب اسلامی را رعایت کنند. این، شامل پوشش بدن، به جز صورت و دست‌ها از مچ به پایین می‌شود.

۲. عدم اختلاط

در اسلام، اختلاط غیرضروری بین مردان و زنان نامحرم، ممنوع است. بنابراین، بانوان باید در محیط‌هایی ورزش کنند که اختلاط با مردان نامحرم وجود نداشته باشد یا حداقل ممکن باشد.

۳. پرهیز از رفتارهای غیراخلاقی

ورزش‌هایی که ممکن است به رفتارهای غیراخلاقی یا نمایش بدن منجر شوند، از نظر اسلام، نامناسب تلقی می‌شوند و بانوان باید از شرکت در چنین فعالیت‌هایی خودداری کنند.

۴. توجه به سلامت جسمی و روحی

رشته و نوع ورزش، نباید به سلامتی جسمی یا روحی بانوان، آسیب برساند و فعالیت‌های ورزشی، باید متعادل و متناسب با توانایی‌های فردی آنان باشد.

۵. عدم تقلید از فرهنگ‌های غیراسلامی

بانوان باید از تقلید رفتارها یا لباس‌هایی که با ارزش‌های اسلامی مغایرت دارند، خودداری کنند.

۶. رعایت اخلاق اسلامی

در هر فعالیت ورزشی، رعایت اخلاق اسلامی، مانند صداقت، احترام به دیگران و پرهیز از تکبر و خودنمایی، ضروری است.

این محدودیت‌ها و توصیه‌ها، به بانوان کمک می‌کند تا در عین حفظ ارزش‌های اسلامی، از فواید ورزش، بهره‌مند شوند. البته تفاسیر و دیدگاه‌های مختلفی در میان علمای اسلام وجود دارد و ممکن است برخی جزئیات، بسته به شرایط و مذاهب و فتاوی مختلف، متفاوت باشد.

حضور بانوان در عرصه بین‌المللی

آیا با وجود قوانین سخت دینی، ورزش حرفه‌ای بانوان در سطح بین‌المللی، ممکن است؟

رعایت قوانین دینی در مجامع بین‌المللی و باشگاه‌هایی که مردان نامحرم حضور دارند، چالش برانگیز است؛ اما غیرممکن نیست. در این شرایط، بانوان مسلمان می‌توانند با رعایت برخی اصول و راهکارها، هم به فعالیت‌های ورزشی خود

ادامه دهند و هم حدود شرعی را حفظ کنند که برخی از این راهکارها عبارتند از:

۱. استفاده از لباس مناسب و اسلامی

بانوان می‌توانند از لباس‌های ورزشی طراحی شده‌ای استفاده کنند که هم استانداردهای ورزشی را رعایت می‌کنند و هم حجاب اسلامی را حفظ می‌کنند. امروزه لباس‌های ورزشی اسلامی، مانند حجاب‌های ورزشی، مانتوهای گشاد و شلوارهای مناسب، برای بانوان تولید می‌شود. این لباس‌ها باید گشاد و غیرنفوذپذیر باشند تا در آنها، بدن نمایان نشود.

۲. شرکت در مسابقات و رویدادهای ویژه بانوان

در برخی کشورها و مجامع بین‌المللی، مسابقات و رویدادهای ورزشی ویژه بانوان برگزار می‌شود که در آنها، حضور مردان نامحرم، محدود

و یا ممنوع است. شرکت در این رویدادها، می‌تواند راه حل مناسبی برای رعایت حدود شرعی باشد.

۳. استفاده از مربیان و داوران زن

در صورت امکان، بانوان می‌توانند در تیم‌ها یا رویدادهایی شرکت کنند که مربیان و داوران زن دارند. این موضوع در برخی رشته‌های ورزشی و کشورها امکان‌پذیر است.

۴. رعایت حریم در تعاملات

در مواردی که حضور مردان نامحرم، اجتناب‌ناپذیر است (مانند داوران، مربیان یا خبرنگاران)، بانوان می‌توانند با حفظ حریم و پرهیز از تماس‌های غیرضروری، حدود شرعی را رعایت کنند. برای مثال، از دست دادن یا ارتباط‌های نزدیک با مردان نامحرم، خودداری کنند.

۵. مذاکره با مسئولان برگزاری

بانوان می‌توانند با مسئولان برگزاری مسابقات یا باشگاه‌ها مذاکره کنند تا شرایطی فراهم شود که حدود شرعی آنها رعایت شود. برای مثال، درخواست محیط‌های جداگانه یا زمان بندی خاص برای تمرینات بانوان.

۶. توجه به اولویت‌ها

در برخی موارد، ممکن است رعایت کامل تمام حدود شرعی در محیط‌های بین‌المللی، دشوار باشد. در این شرایط، بانوان می‌توانند با مشورت علمای

دینی، اولویت‌ها را مشخص کنند و به رعایت اصول شرعی، پایبند باشند.

۷. الگوگیری از ورزشکاران مسلمان موفق

بسیاری از ورزشکاران مسلمان، توانسته‌اند با رعایت حدود شرعی، به موفقیت‌های

بزرگی در سطح بین‌المللی دست یابند. الگوگیری از این افراد، می‌تواند راهنمای خوبی برای بانوان باشد.

در نهایت، رعایت قوانین دینی در محیط‌های بین‌المللی، نیازمند برنامه‌ریزی، خلاقیت و گاهی مذاکره با مسئولان است. با این حال، بسیاری از بانوان مسلمان، نشان داده‌اند که می‌توانند در عین حفظ ارزش‌های دینی، به فعالیت‌های ورزشی خود ادامه دهند. مسئولان جمهوری اسلامی، باید توجه نمایند که حضور در مجامع بین‌المللی و به دست آوردن مدال و کسب افتخار از سوی ورزشکاران عزیز، هرگز مجوز گذشتن از مرزهای الهی نمی‌شود و مسئولیت اصل و نحوه حضور زنان جمهوری اسلامی در میدان‌های ورزشی جهانی، بر عهده آنان است و موضوع به هیچ وجه جنبه شخصی ندارد.



سیاست اندلسی کردن ایران

دشمنان نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا کنون، از شگردها و ترفندهای گوناگون و متنوعی برای مقابله با آن استفاده کرده، در این راستا، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند؛ از جنگ سخت و نظامی گرفته تا جنگ نیمه سخت و تحریم و فشارهای اقتصادی و جنگ نرم و تهاجم فرهنگی و جنگ شناختی و... و از آنجا که باورها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی، سد و مانع اصلی در برابر آنان بوده، برای ضربه زدن به آن، در قالب جنگ نرم، سال‌هاست که سیاست اندلسی‌سازی ایران را در دستور کار قرار داده‌اند و هزینه‌های کلانی را پرداخت کرده، لشکر رسانه‌ای خود و هنر و صنعت سینما و فضای مجازی را برای ترویج فساد و فحشا و نابودی فرهنگ اسلامی و ایرانی، به کار گرفته‌اند. در این راستا، صدها شبکه، فیلم‌ها و سریال‌های غیراخلاقی را به زبان یا با زیرنویس فارسی، تولید کرده،

برای ایرانیان پخش می‌کنند تا بنیان خانواده را متزلزل کرده، جوانان را به فساد و فحشا بکشانند؛ همان کاری که برای بازپس‌گیری اندلس از مسلمانان، پس از ناکامی در جنگ نظامی و رویارویی مستقیم انجام دادند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با اشاره به وجود هزاران دیش ماهواره در ایران،

به صراحت اعلام کرد: «به رؤسای سیا گفتم اگر می‌خواهید در ایران، تغییر رژیم انجام بدهید، لازم نیست جاسوس‌بازی کنید؛ فقط کافی است فرستنده‌های خیلی بزرگ و قوی را بگیرید و سریال‌های... را برای مردم ایران پخش کنید. همین‌ها باعث اختلال می‌شود؛ مردم و جوانان نگاه می‌کنند و آنها هم می‌خواهند که همان لباس‌های زیبا و همان خانه‌ها و استخرها را داشته باشند. اینها ظرفیت موجود داخلی برای

ایجاد مخالفت در ایران است؛ کشوری که برخلاف رفتارهایش، بازترین جامعه را در آن منطقه دارد»^۱. دشمنی‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌های دشمنان، تازگی ندارد و همان دشمنی‌ها، برنامه‌ها و شگردها، به روز شده و برای مقابله با کشور ما اجرا می‌شود. خداوند، در قرآن کریم، برنامه این افراد را تلاش برای ایجاد فساد و نابودی منابع مادی و انسانی معرفی نموده، می‌فرماید: «وقتی روی برمی‌گرداند، تلاش می‌کند در زمین فساد به راه بیندازد و زراعت و نسل را نابود کند و خداوند، فساد را دوست ندارد»^۲.

با تغییر ذائقه جامعه و به ویژه نسل جوان و استحاله و فروپاشی فرهنگی، همچون موربانه، بنیان‌ها و ریشه‌های اعتقاد و باورهای دینی، آرام و بی‌سر و صدا تخریب شده، فرهنگ دینی حاکم بر جامعه، فرو ریخته و سد و سپر جامعه اسلامی در برابر دشمنان، شکسته خواهد شد.

مقام معظم رهبری، سال‌ها پیش، نسبت به این سیاست دشمنان، هشدار داده، فرمود:

«سیاست امروز [آمریکایی‌ها]، سیاست اندلسی کردن ایران است. اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا، انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با اشاره به وجود هزاران دیش ماهواره در ایران، به صراحت اعلام کرد: «به رؤسای سیا گفتم اگر می‌خواهید در ایران، تغییر رژیم انجام بدهید، لازم نیست جاسوس‌بازی کنید؛ فقط کافی است فرستنده‌های خیلی بزرگ و قوی را بگیرید و سریال‌های... را برای مردم ایران پخش کنید.»

یکی از کارها این بود که تا کستان‌هایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور مجانی، در اختیار جوانان قرار دهند. جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات، آلوده کنند. گذشت زمان، راه‌های اصلی برای فاسد یا آباد کردن يك ملت را عوض نمی‌کند. امروز هم آنها همین کار را می‌کنند»^۳.

این نقشه شیطانی را دشمنان در اندلس، درست در زمانی اجرا کردند که از پیشرفت‌ها و قدرت مسلمانان، احساس خطر کردند. امروز نیز پیشرفت کشور و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی کشورمان، با وجود همه دشمنی‌ها و مانع‌تراشی‌ها، چاره‌ای برای دشمنان باقی نگذاشته که برای مقابله با آن، با همان شگرد، از درون، بنیان‌های فرهنگی و دینی جامعه را متزلزل نمایند. عادی‌انگاری بی‌حجابی، تابوشکنی‌ها، روابط آزاد زن و مرد، ترویج می‌گساری و سگ‌گردانی و... همه در این راستا دنبال می‌شود.

اگر مسئولان فرهنگی و دلسوزان نظام، در برابر این سیاست شیطانی، دغدغه‌مندی و برنامه‌ریزی مناسب و مؤثری نداشته باشند، خسارت‌های فراوانی بر کشور تحمیل خواهد شد.

پی‌نوشت:

۱. <https://www.mashreghnews.ir/amp/1447960>

۲. بقره، آیه ۲۰۵

۳. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان؛ ۱۳۸۱/۱۲/۶

مذاکرات غیرمستقیم و دست برتر جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی بوده است:

۱. محدود بودن مذاکرات به مسئله هسته‌ای و کنار گذاشته شدن زیاده‌خواهی آمریکای در طرح مسائل موشکی و فعالیت‌های منطقه‌ای و محور مقاومت؛

۲. تعیین محل مذاکرات به انتخاب کشورمان؛

۳. غیرمستقیم بودن مذاکرات و اینکه کشور ما با توجه به تجربه قبلی و بدعهدی و خروج این کشور از برجام، آمریکا را شایسته مذاکرات مستقیم ندانسته و می‌پذیرد در کشوری که خود معرفی می‌کند، مذاکرات غیرمستقیم با این کشور داشته باشد تا بار دیگر، صداقت و شفافیت خود را به اثبات رسانده، نشان دهد که ضمن پافشاری بر حقوق و مواضع خود، از هرگونه راه حل سیاسی منطقی، استقبال می‌کند.

هر چند با توجه به روحیه استکباری آمریکا و ویژگی‌های شخص ترامپ، نمی‌توان به نتیجه این مذاکرات، چندان امیدوار بود و از آمریکایی که حتی به دوستان و هم‌پیمانان خود رحم نکرد و با جنگ تعرفه‌ای که ترامپ به راه انداخته و زیاده‌خواهی وی درباره کانادا، کانال پاناما، جنگ اوکراین، جنگ غزه و برخورد با یمن، التهاب و آشفته‌گی در جهان ایجاد کرده، نمی‌توان انتظار صداقت و برخورد منطقی با مسئله هسته‌ای کشورمان را داشت و تجارب چندین باره و تجربه نزدیک برجام، نشان داده که دل بستن به رفع تحریم‌ها از طریق مذاکره، نتیجه‌ای ندارد؛ اما تجربه دیگری پیش روی مسئولان و مردم ماست و باید هم تیم مذاکره‌کننده و هم جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و رسانه‌های کشور، صرف نظر از هر سلیقه و تفکر سیاسی، مراقب بازی رسانه‌ای و عملیات روانی این کشور باشند و اجازه ندهند این کشور، با فریب افکار عمومی، از این مذاکرات، به نفع اهداف سیاسی خود در مرعوب‌سازی، اختلاف‌افکنی، دوقطبی‌سازی، مایوس‌سازی و... بهره‌برداری نماید و با درس‌آموزی از تجربیات گذشته، عقلانیت، منافع ملی و عزت و شرافت را ملاک قرار دهند.

با موافقت کشورمان با مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، جریان رسانه‌ای خارجی، تلاش کرد تا آن را تسلیم کشورمان در برابر خواسته ترامپ و نمود کند و همزمان نیز جریانی در داخل کشور، آن را نوعی عقب‌نشینی کشورمان از مواضع خود جلوه دادند؛ اما نگاهی به سیر تحولات چندین ماه گذشته، به خوبی نشان می‌دهد که موافقت کشورمان با مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، نه تنها تسلیم در برابر خواسته ترامپ نبوده، عقب‌نشینی از سوی کشورمان محسوب نمی‌گردد، بلکه بر عکس، نتیجه عقب‌نشینی ترامپ از باج‌خواهی و مذاکرات فراهسته‌ای است.

ترامپ پس از روی کار آمدن، با لحنی قلدرمآبانه و ادبیاتی تحکم‌آمیز، همراه با تهدید، خواهان حل مسئله هسته‌ای کشورمان از طریق مذاکره شد و از مطرح بودن گزینه‌های دیگر (بخوانید تهدید نظامی) در صورت عدم مذاکره هم نام برد و در نامه‌ای به کشورمان، پا را فراتر نهاد و رؤیای خود را در محدودیت توان موشکی و دست برداشتن از محور مقاومت را نیز به مسئله هسته‌ای ضمیمه کرد؛ اما پاسخ صریح و قاطع رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و سایر مسئولان در نپذیرفتن مذاکره در زیر فشار، تهدید و تحکم و غیرمعمول دانستن آن و دریافت پاسخ نامه خود، آن هم نه از طریق امارات (آورنده نامه)، بلکه عمان و مضمون قاطعانه و شجاعانه آن، ناچار به عقب‌نشینی شد و با کنار گذاشتن ادبیات تهدید، با مذاکرات غیرمستقیم، موافقت کرد.

گرچه آمریکا و شخص ترامپ و البته برخی شیفتگان و وادادگان غرب در داخل، تلاش می‌کنند با ایجاد عملیات روانی و فریب رسانه‌ای، موافقت با مذاکرات هسته‌ای را نوعی پیروزی برای خود و تسلیم برای کشورمان جلوه دهند و این گونه وانمود کنند که دست برتر را در این زمینه در اختیار دارند، اما واقعیت آن است که تا اینجا لااقل در سه مورد، دست برتر با



اولین پیام به مخاطب

ج. عکس خانوادگی در فضای مجازی، حریم خصوصی یا نمایش غیرضروری؟

بعضی فکر می کنند انتشار عکس خانوادگی، بی ضرر است؛ اما آیا واقعاً لازم است همسر یا فرزندانمان را به هزاران نفر غریبه نشان دهیم؟ در اسلام تأکید شده که حفظ حریم خانواده، مهم است. وقتی عکس خانوادگی را عمومی می کنیم، کنترل آن از دست ما خارج می شود. ممکن است بگویید من قصد بدی ندارم؛ اما نیست ما مهم نیست؛ بلکه تأثیر عمل ما مهم است.

وقتی یک چهره مذهبی، در سخنرانی هایش بر حجاب تأکید می کند، اما در فضای مجازی، عکس های غیرمتعارف ارسال می کند، جوانی که او را الگویی دانست، دچار دوگانگی می شود.

وقتی مردم ببینند یک مسئول یا سخنران، خودش به حرف هایش عمل نمی کند، کم کم حرف های خویش را هم جدی نمی گیرند.

اگر یک قاری قرآن، در مراسم رسمی، بدون ریش و با کراوات حاضر شود، کم کم دیگران هم می گویند: «خب پس اشکالی ندارد» و این چرخه ادامه پیدا می کند.

شما یک پیام آگاه هستید؛ نه فقط یک فرد عادی. انتخاب با شماست؛ می توانید بگویید «من فقط یک آدم معمولی هستم و هر طور دلم بخواهد، ظاهرم را انتخاب می کنم»؛ اما اگر دنبال کننده هایان، شما را به عنوان یک چهره مذهبی یا فرهنگی می شناسند، ناخودآگاه از شما الگو می گیرند.

شهرت، همراه با مسئولیت است. اگر شما دلتان می خواهد حرفتان تأثیر داشته باشد، باید بین گفتار و رفتارتان هماهنگی وجود داشته باشد.

ظاهر شما، اولین پیام شماست و قبل از اینکه حرفی بزنید، مردم شما را می بینند؛ پس اجازه ندهید ظاهران با حرف هایتان در تضاد باشد.

نشان دهنده نظم و تعهد اوست.

پس چرا یک چهره مذهبی یا فرهنگی، باید ظاهرش را از اصولی که تبلیغ می کند، جدا بدارد؟

ریش، کراوات، عکس خانوادگی و... چرا بحث برانگیزند؟

الف. ریش، یک نماد یا یک اجبار؟

بعضی ها می گویند: ریش گذاشتن که الزام شرعی ندارد؛ پس چرا باید به آن گیر داد؟ جواب این است که درست است اما این است که درست است که ممکن است گذاشتن

ریش، واجب قطعی نباشد، اما یک شناسه فرهنگی - دینی است. وقتی یک مداح یا استاد دانشگاه، با حجاب یا ریش دار است، ناخودآگاه به مخاطب می فهماند که «من به این اصول پایبندم». در مقابل، وقتی همان فرد، ناگهان در فضای مجازی، با ظاهری کاملاً متجدد ظاهر می شود، تناقض بین گفتار و رفتار او، باعث کاهش اعتماد می شود.

بعضی ها می گویند: ریش گذاشتن که الزام شرعی ندارد؛ پس چرا باید به آن گیر داد؟ جواب این است که درست است که ممکن است گذاشتن ریش، واجب قطعی نباشد، اما یک شناسه فرهنگی - دینی است. وقتی یک مداح یا استاد دانشگاه، با حجاب یا ریش دار است، ناخودآگاه به مخاطب می فهماند که «من به این اصول پایبندم». در مقابل، وقتی همان فرد، ناگهان در فضای مجازی، با ظاهری کاملاً متجدد ظاهر می شود، تناقض بین گفتار و رفتار او، باعث کاهش اعتماد می شود.

ب. کراوات، چرابرخی به آن حساسیت دارند؟

کراوات در ذات خودش مشکلی ندارد؛ اما نماد یک فرهنگ خاص (غربی) است. وقتی یک چهره مذهبی یا انقلابی، از کراوات استفاده می کند، ناخودآگاه این پیام را می فرستد که «من به سبک زندگی غربی نزدیک ترم؛ حتی اگر واقعاً چنین قصدی نداشته باشد». آیا این یعنی تحریم مطلق؟ نه، اما اگر جایگزین های بهتری مثل لباس های ملی مذهبی داریم، چرا سراغ نمادهای فرهنگی دیگران برویم؟

چرا رعایت ظواهر شرعی، برای مسئولان و چهره های تأثیرگذار، یک ضرورت است؟

تصور کنید شما یک استاد دانشگاه یا یک فعال رسانه ای محبوب باشید. حالا فرض کنید با همان محتوای علمی و حرف هایی که ارائه می دهید، همزمان در اینستاگرام، عکس های شخصی تان را منتشر کنید که مثلاً در یک مهمانی، با پوششی کاملاً غیررسمی نشسته اید. آیا این عکس ها، روی دانشجویان یا دنبال کننده های شما تأثیر نمی گذارد؟ قطعاً می گذارد! واقعیت این است که هرکسی که در

جامعه دیده می شود، به نوعی الگوست؛ چه مداح باشد، چه قاری قرآن، چه مسئول دولتی، چه دانشجوی فعال فرهنگی و چه چهره فعال هنری و رسانه ای.

وقتی تو در چشم دیگران هستی، ناخودآگاه رفتار بر روی آنها اثر می گذارد؛ پس اگر قرار است کسی الگو باشد، چرا آگاهانه این نقش را نپذیرد و مسئولانه با آن برخورد نکند؟

بعضی می گویند: مهم، باطن

آدم است؛ ظاهر که مهم نیست. در پاسخ باید گفت: بله، باطن اصل است؛ اما ظاهر هم نماد باطن است.

آیا یک پزشک می تواند با لباس راحتی و دمپایی وارد اتاق عمل شود؟ نه، چون ظاهر او، به بیماران می فهماند که چقدر به کارش اهمیت می دهد.

آیا یک نظامی می تواند با لباس غیررسمی، در پست خود حاضر شود؟ نه، چون لباس او،



به جای پیشرفت، در حجاب مانده ایم!

شبهه: زن در جوامع پیشرفته، به قله های پیشرفت در عرصه های مختلف رسیده؛ ولی در جامعه ما، دختران و زنان، برای نداشتن حجاب، باید بچنگند.

پاسخ:

بیایید این قله های پیشرفت زن غربی را به روایت خودشان با چند شاخص حائز اهمیت، بررسی کنیم:

۱. خودکشی

در میان سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ م. با وجود اینکه آمار خودکشی در مردان نیز با میزان ۲۱ درصد در حال افزایش بوده، افزایش این آمار برای بانوان، نزدیک به ۵۰ درصد بوده است. آمار خودکشی در غرب و افزایش چند برابری خودکشی زنان در مقایسه با مردان، نشان دهنده افزایش زن ستیزی در غرب است.

۲. وضعیت زنان سرپرست خانوار

طبق گزارش سازمان ملل متحد درباره وضعیت خانوارها در سال ۲۰۱۷ م. ۴۷ درصد از زنان و نزدیک به ۳۰ درصد از افراد بالای ۶۰ سال، سرپرست خانوار بوده اند. بحران خانواده، دامن گیر اروپای غربی نیز شده است؛ به حدی که در کشوری مثل فرانسه، حدود ۴۹ درصد و در لوکزامبورگ، حدود ۵۹ درصد بانوان، سرپرست خانوار هستند. جالب توجه است که در ایران، فقط حدود ۱۲ درصد از بانوان، سرپرست خانوار هستند.

۳. خشونت جنسی

در آمار منتشر شده توسط مرکز ملی خشونت جنسی آمریکا، چنین گزارش شده است: از هر پنج زن در آمریکا، یک زن، تجربه قرار گرفتن در معرض تجاوز جنسی را دارد. از هر چهار دختر، یک دختر و از هر شش پسر، یک پسر، پیش از هجده سالگی، در معرض سوء استفاده جنسی قرار می گیرند. از هر ۵ دانشجوی زن، یک نفر در طول دوران تحصیل خود، در معرض تعرض جنسی قرار گرفته است.

حجاب زنان در ایران

درباره حجاب زن ایرانی، اولین نکته این است که فرهنگ باستانی ایرانیان، پوشیدگی و حجاب بوده و زنان ایرانی، از دیرباز، پوشش کاملی برای خود انتخاب کرده بودند. تصویر زن در نگاره های ۲۵۰۰ سال پیش تخت جمشید، به خوبی این موضوع را نشان می دهد.

نکته بعدی اینکه به شهادت آمارهای جهانی، در ایران عزیزمان، پیشرفت های چشمگیری نصیب زنان شده است.

الف. آموزش

به گزارش انجمن جهانی اقتصاد، ما در برابری حق تحصیل دختر و پسر و عدالت آموزشی، در دنیا رتبه یک را داریم. به گزارش سازمان ملل، قبل از انقلاب، ایران جزء

بی سوادترین کشورها در حوزه بانوان بود؛ اما الان جزء باسوادترین کشورها در حوزه بانوان است. میزان بی سوادى زنان ایران، از ۷۰ تا ۸۰ درصد در سال ۱۳۵۴ به کمتر از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است.



در تحصیلات دانشگاهی، نسبت دختران به کل دانشجویان، از حدود ۲۵ درصد در دهه ۵۰ به بیش از ۵۰ درصد رسیده است. اساتید و هیئت علمی زن در دانشگاه های کشور نیز از کمتر از ۱۵ درصد در دهه ۵۰ به بیش از ۳۰ درصد در دهه ۹۰ رسیده است.

ج. ورزش بانوان

تعداد رشته های ورزشی بانوان از ۷ رشته در سال ۱۳۵۷ به ۳۸ رشته طی ۲۰ سال اول انقلاب رسیده است. تعداد مربیان ورزشی خانم نیز رشدی نجومی داشته و از ۹ مربی به ۵۳۰۰۰ مربی افزایش یافته است. تعداد داوران زن نیز از ۷ نفر به ۱۶۰۰۰ نفر رسیده است که نشان از افزایش ۲ هزار برابری است. همچنین تعداد ورزشگاه های اختصاصی بانوان، پس از انقلاب اسلامی، ۳۰ برابر شده است.

فدراسیون های فعال ورزشی در حوزه بانوان، از یک مورد به ۴۹ فدراسیون افزایش یافته است. مدال های کسب شده در رویدادهای بین المللی توسط بانوان، از ۲ مورد در ابتدای انقلاب به بیش از ۸۰۰ مورد رسیده است.

د. بهداشت و سلامت

به گزارش سازمان بهداشت جهانی، در شاخص امید به زندگی زنان، به بیش از ۷۷ سال رسیده ایم. در تعداد پزشک بانوان پس از انقلاب نیز تعداد پزشک های فوق تخصص مرد، ۳ برابر اما خانم ها ۱۲ برابر شده است.

افزایش نسبت پزشکان متخصص زن از ۱۵ به ۴۰ درصد، طی فقط بیست سال، افزایش نسبت پزشکان فوق تخصص زن از ۹ به ۳۰ درصد، طی فقط بیست سال، افزایش نسبت پزشکان متخصص زن در حوزه زنان و زایمان از ۱۶ به ۹۸ درصد، طی فقط بیست سال و هزاران دستاورد دیگر...

جمهوری اسلامی ایران در حوزه بانوان، فوق العاده کار کرده، در حدی که نیویورک تایمز، چند سال پیش، گزارشی را منتشر کرد که انقلاب ۱۹۷۹ م. یعنی سال ۵۷، نقطه عطفی برای زنان ایرانی در همه حوزه ها بوده است.

برگرفته از کتاب «راستینه»، مجموعه پرسش ها و پاسخ های نوجوانانه

شهادت

ماهانامه ویژه پوشش مطالبات دانش جوان و طلاب جوان

شماره سی و چهارم / فروردین ۱۴۰۴

۷

ذوالقرنین و کوروش

شبهات

ماهنامه ویژه پوش مطالعاتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره سی و چهار / فروردین ۱۴۰۴

۸

بر اساس آیات قرآن کریم، می‌توانیم شش ویژگی برای ذوالقرنین بیان کنیم:

۱. مکنت و اسباب فراوان که به قدرت و حکومت، تفسیر شده است.
 ۲. حرکت از مغرب تا مشرق.
 ۳. رویارویی با اقوامی کافر در غرب و اقوامی با زبان ناشناخته در شرق.
 ۴. ساختن سد فلزی مستحکم به منظور ممانعت از حمله قوم فاسد یا جوج و ماجوج.
 ۵. اعتقاد راسخ به خداوند و روز جزا و ارتباط با خداوند.
 ۶. اجرای عدالت در میان مردم.
- در واقع، خداوند یکی از بندگان را یاد می‌کند که در اوج قدرت، همواره به یاد خداست و بر خلاف اغلب قدرتمندان که به ظلم و کفر روی می‌آورند، او مومن است و در میان خلق، عدالت گسری می‌کند.

برخی از روایت‌های قرآن، سرگذشت افراد و ملت‌های مختلف، به جهت انتباه و عبرت است. قرآن در صدد شخصیت سازی و تطبیق نیست؛

زیرا چهره بسیاری از شخصیت‌های تاریخی، در گذر زمان، دچار اعوجاج و تحریف شده و می‌تواند موجب الگو سازی غلط شود. از این رو، می‌بینیم که قرآن برای احتراز از این مسئله، وقتی که می‌خواهد نمونه‌ای از بندگان را معرفی نماید، با نامی مستعار از او یاد می‌کند

و او را «ذوالقرنین» می‌نامد. قطعاً اولین وظیفه مومنین، دریافت پیام آیات مربوط به این شخصیت است؛ اما جای تاسف دارد که نام ذوالقرنین، بیش از آنکه یادآور نکات دقیق در اوصاف وی باشد، ذهن را به مباحث ناسیونالیستی و تایید و رد انتساب این فرد به شخصیت‌های تاریخی منتقل می‌کند.

حال سوال این است که آیا تحقیق درباره مصداق یابی افراد منقول در قرآن، اشکال دارد؟ پاسخ، منفی است؛ یعنی پس از آنکه پیام قرآن را دریافت کردیم، هر گونه پژوهش در قرآن، موجب بسط مباحث قرآنی و رونق قرآن می‌شود که خود، کاری پسندیده است. همواره از سوی محققین، شخصیت‌هایی

تاریخی به عنوان ذوالقرنین معرفی شده‌اند که از معروف‌ترین ایشان، اسکندر مقدونی و کوروش هخامنشی هستند.

الف. اسکندر

در گذشته، بسیاری از صاحب نظران، اسکندر را ذوالقرنین می‌دانستند و این مسئله، تا جایی پیش رفته بود که بسیاری از ایرانیان، نام فرزند خود را با وجود حمله اسکندر و برانداختن حکومت ایران، اسکندر می‌گذاشتند و حتی حاج ملاهادی سبزواری، در کتاب «منظومه»، وی را مقدس نامیده است؛ حال آن که ویژگی‌های اسکندر، با ذوالقرنین معرفی شده در قرآن، بسیار متمایز است و اشتباه بودن این اتصاف به فردی که به افراط در نوشیدن شراب معروف است و گفته شده جوان مرگ شدنش، در اثر همین بوده، کاملاً روشن است.

ب. کوروش

شخصیت بعدی، کوروش است که در سال‌های اخیر، مورد اقبال دانشمندان قرار گرفته و علامه طباطبایی و شهید مطهری، از جمله کسانی هستند که ذوالقرنین را بیشتر با شخصیت کوروش، قابل انطباق دانسته‌اند.

در مورد کوروش، روایات متناقضی وجود دارد. از سویی بردادگستری او صحنه گذاشته می‌شود و از سوی دیگر، حملات بی‌امان او به ملل مختلف و تسخیر سرزمین‌های آنان که با کشتار بسیاری همراه بوده، نقل صفحات کتب تاریخی گشته است.

سوء استفاده برخی ناسیونالیست‌ها از تطبیق کوروش با ذوالقرنین، یکی از آفاتی است که گریبان گیر شده و به تحقیقات علمی، سمت و سوی غلط می‌دهد و موجب می‌شود دروغ پردازی‌هایی، حول محور کوروش به وجود آید که چهره این شخصیت تاریخی را مخدوش نماید.

کوروش در کتاب تورات، قهرمانی است مقدس که بنی اسرائیل را از چنگ بخت‌النصر، رهایی بخشید و ایشان را در بازگشت به فلسطین یا ماندن در بین‌النهرین، مختار نمود و همو بود که موجبات هجرت بخشی از یهود، از جمله انبیایی چون حضرت دانیال و حنیق نبی را مهیا نمود.

جهان‌بینی یهود، در تقدیس هر آنچه به نفع این قوم بوده، ایشان را از اتصاف به عدالت در روایت، خارج می‌کند. به عنوان مثال، به اذعان تورات، استر - همسر خشایارشا - با همدستی مُردخای - که هر دو یهودی بودند - موجبات کشتار هامان وزیر و بیش از هفتاد هزار ایرانی را مهیا نمود و چون این عمل در راستای منافع یهود بود، استر تقدیس شد و کتابی به نام وی در تورات شکل گرفت.

حال چگونه می‌توان در مورد کوروش، قضاوتی صحیح داشت؟ کوروشی که به روایتی، پادشاهی جهان‌گشا بوده، اقوام بسیاری را به خاک و خون کشیده یا کوروشی که در روایت تورات، ناجی بنی اسرائیل و انبیای الهی بوده است؟

با روایت تاریخ چه کنیم که بر اساس برخی شواهد، مانند استوانه منسوب به کوروش، او را نه یک موحد یا زرتشتی، بلکه بت پرست و تابع مردوک قلمداد می‌کند؟

سوء استفاده برخی ناسیونالیست‌ها از تطبیق کوروش با ذوالقرنین، یکی از آفاتی است که گریبان گیر شده و به تحقیقات علمی، سمت و سوی غلط می‌دهد و موجب می‌شود دروغ پردازی‌هایی، حول محور کوروش به وجود آید که چهره این شخصیت تاریخی را مخدوش نماید.

به هر صورت، نمی‌توان بر هیچ فردی به عنوان مصداق قطعی ذوالقرنین، صحنه گذاشت؛ اما با توجه به وقایع تاریخی و نقل قول‌ها در مورد کوروش، می‌توان او را نزدیک‌ترین فرد به ذوالقرنین دانست.

شبهات

ماهنامه ویژه پوش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمی)
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۱

همکاران این شماره: روح‌الله رضوی، علی مجتبی زاده، حمید کریمی

www.Shobhe.pasokh.org

www.Shobhe.pasokh.org

pasokh.org spasokh.com wikipasokh.com pasokh.tv shobhepajouhi.ir

